



مکتباً رفایی

دکتر فریدون سیامکنژاد

نام کتاب:

یادگارهای داروسازی ایران «از دارالفنون تا سال ۱۳۵۷»

به کوشش:

دکتر سیف‌الرضا شهرابی

نوبت چاپ:

۱۳۹۵ - اول

شمارگان:

۱۱۰۰ نسخه

قیمت:

۴۰۰۰۰ تومان

ناشر:

نشر رسانش نوین

آدرس ناشر:

تهران، خیابان بهار شمالی، کوچه شکیبا، بیش کوچه شیرازی، پلاک ۷، واحد ۳، تلفن: ۰۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱، ۰۷۷۵۳۰۵۳۶

کتاب حاضر توسط شرکت تعاونی اعضاي انجمن داروسازان ایران چاپ شده و آقای دکتر داریوش کشتکار، رئیس هیأت مدیره این شرکت در مقدمه‌ای که برای کتاب نگاشته اند، چنین بیان داشته اند:

یکی از اندیشمندان می‌گوید: کسی که تاریخ نداند نیمی از عمرش بر باد است و اگر تاریخ خود را نداند تمام عمرش بر باد است.

تاریخ داروسازی و داروسازان در کشور ما از جمله مواردی است که کمتر بدان توجه شده و به عبارتی تا حدودی مغفول مانده و بر اهالی حرفه داروسازی فرض است در کنار پیگیری‌هایی که در حوزه‌های مختلف حرفه‌ای انجام می‌دهند، به این حوزه نیز توجهی خاص مبذول دارند تا آنانی که در این حرفه اشتغال دارند و یا در آینده وارد این حرفه می‌شوند، از آن مطلع شوند.

همکار عزیز و محترم ما جناب آقای «دکتر سیف الرضا شهابی» که سال‌های طولانی افتخار آشنایی با ایشان را دارم و طی سال‌های متعددی در هیأت مدیره انجمن داروسازان ایران همکاری داشتمیم، در کنار فعالیت‌های حرفه‌ای با تاریخ نیز آشنایی دارد و بر اساس علاقه‌ای که به داروسازی و داروسازان دارد، به این مهم، یعنی پرداختن به تاریخ داروسازی توجه نمودند و به جمع‌آوری عکس‌های دسته جمعی داروسازان از دارالفنون تا سال ۱۳۵۷ که بخشی از تاریخ تصویری داروسازان ایران است، مبادرت کردند. حاصل تلاش قابل تقدیر ایشان، مجموعه‌ای است که به صورت کتاب یادگارهای داروسازی ایران از دارالفنون تا سال ۱۳۵۷ به زیور چاپ آراسته شده است.

برادر عزیزم جناب آقای دکتر سیف الرضا شهابی که نزدیک به چهل سال است که ایشان را از نزدیک می‌شناسم و دوستی عمیقی با وی دارم، بیش از این که به داروسازی شهره باشند، به تحلیل گر مسائل سیاسی و نویسنده مطالب تاریخی مشهور هستند.

مطلوب ایشان در روزنامه‌های مختلف و تحلیل‌های ایشان در رسانه ملی برای مخاطبان شناخته شده است.

آقای دکتر سیف الرضا شهابی فارغ‌التحصیل سال ۱۳۵۶ از دانشکده داروسازی دانشگاه تهران هستند. تألیفات ایشان عبارتند از:

۱ - کارنامه سیاسی قائم مقام فراهانی

۲ - دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس

۳ - دولت مستقل فلسطین، خدمت یا خیانت

۴ - احزاب سیاسی در مازندران و گلستان در

سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰

۵ - یادگارهای دبستان ملی پسرانه تربیت

۶ - یادگارهای دبیرستان دانش

انگیزه ایشان از انتشار این کتاب، حفظ عکس‌هایی بوده که در تاریخی خاص و مکانی خاص و با حضور جمی گرفته شده‌اند و ممکن بود از بین بروند. عکس‌هایی که هر کدامشان برای حاضران در آن‌ها نوستالتی و یادآور خاطراتی از گذشته است که هرگز قابل تکرار نمی‌باشد.

از سوی دیگر، نسل حاضر و نسل‌های بعدی با چهره‌هایی آشنا بشوند که قبل از انقلاب وارد دانشکده‌های داروسازی شدند و این دوره را گذراندند و بعد از فارغ‌التحصیلی به داروسازی کشور خدمت کردند.

و انتشارشان، حفظ عکس‌هایی بود که در تاریخ و مکانی خاص و با حضور جمعی گرفته شده و امکان داشت از بین بروند. عکس‌هایی که هر کدامشان برای حاضران در آن عکس یک نوستالژی و یادآور خاطراتی از گذشته‌ای است که هرگز قابل تکرار نمی‌باشد.

یکی دیگر از انگیزه‌های نگارنده، آشنایی این نسل و نسل‌های بعدی با چهره‌هایی است که قبل از انقلاب وارد دانشکده‌های داروسازی شدند و این دوره را گذراندند و بعد از فارغ‌التحصیلی به داروسازی کشور خدمت کردند.

هنگامی که برای دریافت عکس به همکاران مراجعه می‌کردم بسیاری از آن‌ها با حسن نظر استقبال کردند و مورد تشویق قرار می‌دادند و عکس‌هایشان را در اختیارم گذاشتند و تعدادی از همکاران، در پاسخ به درخواست نگارنده می‌گفتند: عکس داریم ولی نمی‌دانیم کجا گذاشته‌یم؟! و یا در هنگام تعمیر منزل و یا اسباب کشی در کارتون گذاشته‌یم و در انبار قراردادیم و دسترسی به آن‌ها ناممکن و یا غیرممکن است!! و به این ترتیب از دسترسی به تعدادی از عکس‌ها محروم ماندم.

به هر حال پاسخ‌های منفی از نوع فوق، مانع از این نشد که برای دستیابی به هدف که جمع‌آوری عکس‌های دسته جمعی همکاران داروساز بود باز بهمانم و خدا را شکر گزارم که این توفیق را به اینجانب داد تا با پیگیری و خواهش و حتی در پاره‌ای از موقع درخواستی عاجزانه، موفق شدم تعدادی قابل توجه از عکس‌های دسته جمعی داروسازان از دانشکده‌های داروسازی دانشگاه‌های تهران، تبریز، مشهد و اصفهان یعنی چهار دانشکده

شرکت تعاونی اعضا انجمن داروسازان ایران که برخاسته از متن داروسازان کشور است، به موازات فعالیت‌های توزیعی که در راستای خدمت رسانی به همکاران داروساز است، همواره فعالیت‌های فرهنگی در رابطه با داروسازان را مورد امعان نظر قرار می‌دهد و از این رو، مبادرت به چاپ این مجموعه کرده که گنجینه‌ای نفیس و با ارزش از عکس‌های داروسازان کشور، پیش از انقلاب است.

در پایان. ضمن تشکر از دکتر شهابی، به خاطر فعالیتی که برای جمع‌آوری عکس‌ها نمودند، از خداوند می‌خواهیم داروسازان کشور را که از خادمان به سلامت جامعه هستند، موفق بفرماید.

آقای دکتر سیف الرضا شهابی نیز در مقدمه خود بر کتاب انگیزه‌های خود را از جمع‌آوری عکس‌های کتاب به خوبی بیان داشته‌اند.

ضمناً ایشان عامل اصلی جمع‌آوری عکس‌های کتاب را در جمع‌آوری تصاویری تحت نام یادگارهای دیستان ملی پسرانه تربیت و یادگارهای دبیرستان دانش دانسته‌اند که با هم مرور می‌کنیم: چند سال قبل که مشغول تنظیم دو کتاب تصویری به نام‌های «یادگارهای دیستان ملی پسرانه تربیت» و «یادگارهای دبیرستان دانش» بودم به این فکر افتادم که کاری مشابه در مورد همکاران عزیز داروساز انجام بدhem تا عکس‌های دسته جمعی بازمانده از دوران دانشجویی و فارغ‌التحصیلی داروساران در قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۷ که یک مقطع و برش از تاریخ داروسازی ایران است، محفوظ بماند.

انگیزه اصلی نگارنده از جمع‌آوری این عکس‌ها

باشد و یا اسمای کوچک به اشتباه ذکر شده باشد و یا افرادی مرحوم شده باشند و کلمه مرحوم ذکر نشده باشد و یا برعکس همکارانی فوت نکرده باشند و جلوی اسمشان کلمه مرحوم ذکر شده باشد و همه این‌ها، از موارد اجتناب‌ناپذیر است و عذر نگارنده را پذیرا باشند.

عکس‌هایی که مربوط به دوران دانشجویی است از عنوان «دکتر» استفاده نشده است، فقط جلوی اسم استید عنوان «دکتر» ذکر شد. بدین وسیله از همه همکاران بزرگوار پوزش می‌طلبم و این را حمل بی‌ادبی نگارنده تلقی نفرمایند. یکی از دغدغه‌های نگارنده، وجود عکس‌های خانم‌های بدون حجاب بود. با توجه به این که برای حفظ یک اثر و سند تاریخی نمی‌توان در آن سند و عکس که بازگوکننده وضعیت قبل از انقلاب و جامعه است. تغییراتی تصنیعی ایجاد نمود، بنابراین، عکس به همان شکل واقعی چاپ شد اما برای خودداری از هرگونه شایه‌ای، تصمیم گرفته شد اسمای خانم‌هایی را ذکر کنم که یا فوت کردند و یا فرصتی پیدا کردم تا برای ذکر نام شان، از آن‌ها کسب اجازه نمایم. در همینجا از همه خانم‌هایی که نامشان ذکر نشده عذرخواهی می‌کنم و حتماً به حساسیت موضوع واقف هستند و مرا مورد بخشناس قرار می‌دهند.

از نکات شایان ذکر دیگر این که، ممکن است در ظاهر چند عکس تکراری به نظر برسد و برای بیننده محترم این سوال مطرح شود که ضرورت، عکس‌هایی به ظاهر تکراری در چیست؟ در صورتی که اگر دقت بیشتری، به عمل آید، متوجه خواهند شد اولاً، در عکس‌های تقریباً مشابه، همه افراد مشترک نیستند و بعضی از افراد در برخی

داروسازی که در قبیل انقلاب فعال بودند، جمع‌آوری نمایم.

شایان ذکر است برای جمع‌آوری عکس، به بسیاری از شهرها سفر کردم تا در دیدار با همکاران، عکس‌هایشان را دریافت دارم و در بعضی مواقع با ارتباط تلفنی این درخواست انجام پذیرفت که لازم می‌دانم از همکاری بدون شایبه و چشم داشت این عزیزان بزرگوار تشکر نمایم. اهل گله نیستم ولی باید بگویم که بعضی از همکاران بنا به دلایلی که برخی از آن دلایل برایم مشخص است و برخی دلایل نا مشخص است، از هرگونه همکاری و ارایه عکس خودداری نمودند.

خوانندگان عزیز مطلع هستند، عکس به تنها‌یی و بدون ذکر نام اشخاصی که در عکس حضور دارند، نمی‌تواند برای بیننده جذاب باشد و هنگامی، جذابیت عکس بیشتر می‌شود که نام افرادی که در عکس دیده می‌شوند، ذکر شود و هر اندازه این اسمای بیشتر باشد، جذابیت بیشتر است. بر این اساس بر آن شدم اسامی افراد حاضر در عکس‌ها شناسایی و نوشته شود. اگر چه خیلی از موقع، حتی صاحبان عکس، نام بسیاری از هم دوره‌های خودشان را به خاطر گذشت زمان‌های نسبتاً طولانی، فراموش کردن. به طوری که ناگزیر شدم برای شناسایی، یک عکس را به چند نفر نشان دهم تا اسمای بیشتری مشخص شود و طبیعی است که این مرحله مشکل‌تر از مرحله اول، یعنی جمع‌آوری عکس‌ها می‌باشد. با این وجود، برای آن که همراه با عکس اسامی افراد هم زنده بماند این مرحله را هم با استعانت از خداوند انجام دادم. ممکن است اشتباهی در شناسایی‌ها انجام گرفته

عادل، شالچی عبدالرسول، شهرزاد حشمت الله، شهریاری علیرضا، صمدمیان مقدم اکبر، طاهری محمود، عبدالله زاده عباس، عبدالعظیمی علاءالدین، عطائیان فروغ الله، علوی سیدجواد، فاطمی سیدعلی، فضل اللهی محمد، قاسمی ابوالقاسم، قره باعی محمدباقر، کاشانی محمد، کوشابور حسین، کیا بی غلامحسین، کیخا حبیب، گلشنی علی اکبر، گل گلاب هما، محمدمزاده غلامحسن، مژدهی آذر رهبر، مقدم حسین، منوچهری ناهید، منظم حسن، موسوی سیدمهدي، مهاجر اکبر، مهدی زاده غلامحسن، میرززاد محمد، نجاری مقدم محمدرضاء، نظری منتظرمسعود، نیکزاد مصطفی، نیکزاد مرتضی، واصفی محمدحسن، یزدی نژاد علی.

خانواده‌های محترم: شهید دکتر حبیب جریری، مرحوم دکتر مهدی اکبریه، مرحوم دکتر سیدحسین قاسم پور، مرحوم دکتر غلامرضا اعظمی، مرحوم دکتر سیدعلی طری پور، مرحوم دکتر مسیح فرهادی، مرحوم دکتر حسن رجاعیان، انجمن داروسازان بابل، انجمن داروسازان تتنکابن، آقای عباس یساره افرا و خانم ها: مریم زاهدی (دفتر دانش آموختگان دانشکده داروسازی).

بر خود فرض می‌دانم از حسن نظر شرکت تعاوینی انجمن داروسازان ایران در تأمین مالی هزینه‌های چاپ این اثر صمیمانه تشکر نمایم. مطمئناً این حرکت فرهنگی در تاریخ داروسازی ایران به نیکی ثبت و ضبط خواهد شد. در پایان از نشر رسانش نوین نیز که در چاپ این کتاب همکاری کردند، تشکر می‌کنم.

آقای دکتر شهابی در ابتدای کتاب، آن را به تمامی داروسازان بهخصوص شهید سر افزار مفقودالاثر زنده

از عکس‌ها حضور دارند و در عکس‌های مشابه حضور ندارند. ثانیاً، زمان و مکان عکس با هم متفاوت است.

این مجموعه آغاز راهی جدید است. امیدوارم در آینده، عکس‌های بیشتری به این مجموعه یا مجموعه‌های مشابه اضافه شود و در جلدات بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

این کتاب، یک مجموعه تصویری است، بنابراین، از نوشتن مطالب غیر ضروری و تاریخچه مبسوط هر دانشکده پرهیز شد و در حد لازم مطالبی ذکر شد. فقط در مورد دانشکده داروسازی تهران که منشاء و مبداء آن از دارالفنون است، تاریخچه‌ای مفصل‌تر ذکر گردید.

بنا به فرموده حضرت رسول: «من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق» لازم می‌دانم از همه عزیزانی که عکس‌ها را در اختیارم قرار دادند با ذکر نام صمیمانه تشکر نمایم. اسمی این همکاران به ترتیب حروف الفباء عبارتند از: خانمها و آقایان دکترها. آزادیان محمدعلی، بانک حسین، بشارت سیدمحمد، ترقی جاه بتول، پورکاظمی محمدکاظم، پورهاشم محمدعلی، پیرزاده آذردخت، تیمورپور فریدون، جعفری پرویز، جلوداری غلامحسن، جهانبخش ناصر، حاصلی جهانبخش، حمیدیان داریوش، حیدرزاده علی اکبر، خداداد اسماعیل، خلیقی نژاد مجتبی، داداشی عزت الله، دهپور احمدزاده، روشنی قاسم، رضایی روشن علی اکبر، زرندی جواد، زندی مرتضی، سام دلیر سعید، ستوهیان علی، سعیدلو جلیل، سلطانی اسدالله، سلطان زاده هوشنگ، سلیمانی محمدزاده، سیدالشهدا ای انور، صابری مقدم سیدمحمد، صالحی مهرناز، صنعتی



زنده یاد دکتر حبیب جریری

بعد از پیروزی انقلاب و در دوران نخست وزیری مرحوم مهندس مهدی بازرگان، ابتدا مسؤول نهضت سواد آموزی و بعد از مدتی به استانداری استان محروم سیستان و بلوچستان منصوب شد و در پی آن، استاندار استان تهران شد و با شروع جنگ عراق و ایران به جبهه رفت و در نخستین ماههای جنگ اسیر شد و تا سال ۱۳۶۳ در اردگاههای اسرای جنگی بود و در این سال توسط رژیم عراق به شهادت رسید و همچنان مفقودالاثر است.

(این عکس بعد از فوت آیت الله سید محمود طالقانی و در بازدید نخست وزیر از زاهدان گرفته شد)

نویسنده بعد از مقدمه، مطلبی هم تحت عنوان از دارالفنون تا دانشکده داروسازی دانشگاه تهران نگاشته‌اند که با هم می‌خوانیم:

در این نوشتار، هدف بر این نیست به تاریخ داروسازی در ایران از عهد باستان و یا حداقل از زمان تاسیس دارالفنون تا امروز به‌طور مشروح و

یاد حبیب جریری تقدیم کرد و عکسی از ایشان به همراه مرحوم مهندس بازرگان را آورده‌اند. مطلب زیر شرحی است که برای عکس داده‌اند:

«تقدیم به همه همکاران داروساز، آن‌ها بی که در قید حیاتند و یا در گذشته‌اند و یاد و خاطره‌شان جاودانه باد و به خصوص شهید سرافراز مفقودالاثر زنده یاد دکتر حبیب جریری»

دکتر حبیب جریری در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده داروسازی تهران شد و سپس به استخدام ارتش درآمد و در سال ۱۳۳۶ فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۳۷ به علت فعالیت‌های سیاسی و مبارزه با رژیم کودتا دستگیر و بعد از یک سال و نیم آزاد شد و از ارتش اخراج گردید.

دکتر جریری بعد از آزادی از زندان، تخصص علوم آزمایشگاهی را دریافت کرد و مجدداً در سال ۱۳۵۳ به علت فعالیت‌های سیاسی، دستگیر شد و به پنج سال زندان محکوم شد و تا سال ۱۳۵۷ در زندان بود و در زمان انقلاب همراه با سایر زندانیان سیاسی آزاد شد.

کاظم خان محلاتی فرزند میرزا احمد محلاتی بود. میرزا کاظم برای تحصیل وارد دارالفنون شد و تحصیلات خود را در رشته علوم طبیعی و دواسازی به پایان رساند و برای ادامه تحصیلات در رشته دواسازی به فرانسه رفت و وارد دانشگاه «روآن» شد. استعدادی که در دوران تحصیل در دارالفنون از خودش بروز داد، در فرانسه باشکوفایی بیشتر همراه شد. به طوری که او را «فخر رازی» یا «لاوازیه» ایران نامیدند و در ایران هم، وزارت معارف به او لقب «شیمی» داد و ناصرالدین شاه او را ملقب به «معتمدالسلطان» کرد.

تقریباً هم زمان با مراجعت فوکتی به اروپا، میرزا کاظم، جای او را در دارالفنون گرفت و به تدریس درس دواسازی مشغول شد و به این ترتیب برای اولين يك ايراني تدریس دواسازی را بر عهده گرفت و آزمایشگاه دارالفنون را مجهز کرد و با راه اندازی کارخانه «اسید سولفوریک سازی» پایه های صنعت داروسازی نوین را گذاشت و هم چنین تأثیفاتی در حوزه دواسازی از خود به یادگار گذاشت و به مدت ۳۰ سال به آموزش پرداخت (همان مأخذ، ص ۴۵).

■ مدرسه دواسازی

در سال ۱۲۹۷ شمسی و در زمان سلطنت «احمد شاه قاجار» مدرسه طب از دارالفنون جدا شد و با نام «مدرسه طب» فعالیت آموزش پزشکی را ادامه داد و دکتر «محمدحسین خان لقمان ادهم» یا «لقمان الدوله» به ریاست آن انتخاب شد و از این زمان به بعد مدرسه طب برای خودش هویتی مستقل از دارالفنون پیدا کرد و در پی آن، در سال

مبسوط پرداخته شود، زیرا با هدف کتاب که تاریخ تصویری داروسازان در ایران است مغایرت دارد ولیکن برای خالی نبودن عرضه، لازم دانستم جهت آشنایی بیشتر همکاران عزیز که قطعاً اطلاعات و آگاهی شان بهتر از نگارنده است و هم چنین آن دسته از بینندگان محترم کتاب که داروساز نیستند، مختصراً درباره داروسازی کشور از سال ۱۲۳۰ شمسی که دارالفنون افتتاح شد را بیان دارم: دارالفنون به ابتکار میرزا تقی خان امیرکبیر داماد و صدراعظم ناصرالدین شاه که قربانی نادانی شاه قاجار قرار گرفت، تاسیس شد و جالب این که در روز افتتاح دارالفنون، امیرکبیر در تبعید به سر می برد و ۱۳ روز بعد به شهادت رسید. در دارالفنون برای هفت رشته تحصیلی برنامه ریزی شده بود و استادهایی از کشورهای اروپایی دعوت شده بودند تا جوانان ایرانی را آموزش دهند و با علوم جدید آشنا نمایند.

یکی از رشته ها، رشته «دواسازی» بود و استادی که برای این رشته انتخاب و دعوت شده بود دکتر «فوکتی» ایتالیایی بود. وی تا سال ۱۲۳۵ از روی تصویر و بدون آزمایشگاه، آموزش می داد و در سال ذکر شده، به اتفاق «فرخ خان امین الملک» به اروپا سفر کرد و وسائل آزمایشگاه را با خود به ایران آورد و از آن سال تدریس با کارهای آزمایشگاهی همراه شد. وی تا سال ۱۲۴۰ شمسی در ایران بود و در این سال به خاطر انقضای مدت خدمتش، ایران را ترک کرد (نخستین ها - جلد اول، ص ۳۱).

■ میرزا کاظم خان شیمی یا محلاتی

یکی از بهترین شاگردان دکتر فوکتی، میرزا

سال ۱۳۰۱ اکثر معلمین از پزشکان مدرسه عالی طب بودند و تنها استاد داروساز این مدرسه دکتر «پاپاریان» اهل ترکیه بود که «فارماکولوری» را می‌داد و برای تجدید استخدام و تعیین حقوق او در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۰۶ ماده واحدهای در مجلس شورای ملی به تصویب رسید (همان مأخذ، ص ۲۱۶).

دکتر محمود خان شیمی - آخرین فرزند میرزا کاظم محلاتی (شیمی) بود که فراغیری علم طب را برگزید. در سال ۱۳۰۱ مامور تاسیس مدرسه دواسازی و آزمایش دواستان شد (دارالفنون گاهواره دواسازی نوین شد ایران - ص ۱۲۵). با راه اندازی مدرسه دواسازی به تدریس در این مدرسه مشغول شد و کتابی نوشته است بنام «مختصر شیمی آلی» که در سال ۱۲۷۵ شمسی چاپ شد (همان مأخذ). یکی از خصوصیات او این بود که هرگز حق دیدار تعیین نکرد و همواره و در هر زمان برای دیدار بیماران آماده بود (همان مأخذ).

دکتر عبداللطیف خان ملقب به حکیم السلطنه - اصالت گیلانی بود و خانواده پدری او اکثرآز طبیبان بودند و او هم این رشتہ را برگزید و از طبیبانی بود که در مدرسه دواسازی درس می‌داد.

دکتر فتح الله خان اعلم - بعد از تحصیل در دانشکده شیمی برلین برای ادامه تحصیل در رشته داروسازی از طرف وزارت جنگ ایران به شهر «لیون» در فرانسه رفت و در سال ۱۳۰۷ به پایان رساند و عنوان پایان نامه اش «مطالعه تقسیم انواع املاح معدنی و آلی فسفر در خون اشخاص سالم و مسلول» است. در سال ۱۳۰۸ به ایران بازگشت و ریاست داروخانه ارتش را بر عهده گرفت و از

سال ۱۳۰۱ مدرسه «دواسازی» هم تشکیل شد که زیرمجموعه مدرسه طب قرار گرفت و مجموعاً به «مدرسه طب و دواسازی» نامیده شدند و ریاست آن را همان رئیس مدرسه طب بر عهده داشت و یک نفر از ناحیه خودش برای مدیریت مدرسه دواسازی منصوب کرد (همان مأخذ).

در سال ۱۳۰۷ دکتر ولی الله نصر رئیس مدرسه طب و دواسازی شد پیشنهاد کرد تا نام مدرسه به «مدرسه عالی طب و دواسازی و قابلگی» تغییر پیدا کند (دارالفنون گاهواره داروسازی نوین ایران، ص ۱۳۷).

در این زمان، مدت مدرسه دواسازی سه سال بود و درس‌های اختصاصی عبارت بودند از: شیمی - ادویه شناسی - تاریخ طبیعی و فیزیک (راهنمای دانشکده پزشکی - داروسازی - دندانپزشکی و بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌های وابسته - ص ۱۹۸).

■ معلمین مدرسه دواسازی

در سال ۱۳۰۱ افرادی برجسته‌ای که در مدرسه دواسازی به تعلیم و آموزش مشغول بودند، عبارت بودند از:

۱ - دکتر علیم الملک

۲ - مسیو پاپاریان

۳ - دکتر محمود خان شیمی

۴ - دکتر حکیم السلطنه (دارالفنون گاهواره داروسازی نوین در ایران، ص ۱۲۴)

دکتر علیم الملک - علی فرهمندی در سال ۱۳۰۰ شمسی معاونت مدرسه طب را بر عهده داشت و «فیزیک دواسازی» را تدریس می‌کرد.

دکتر پاپاریان - با تأسیس مدرسه دواسازی در

«معتمد» در خیابان شیخ هادی تغییر مکان داد تا این که با افتتاح دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ به مکان فعلی منتقل شد (دارالفنون گاهواره داروساری نوین در ایران، ص ۱۲۵).

■ نظام‌نامه سال ۱۳۰۷

در نظام‌نامه مدرسه عالی طب و دواسازی و قابلگی که در ۲۷ شهریور سال ۱۳۰۷ به تصویب شورای عالی معارف رسید، شرط ورود به مدرسه دواسازی داشتن تصدیق سه ساله اول متوجه بود. در سال اول: درس‌های شیمی عمومی و فیزیک و گیاه‌شناسی. در سال دوم: شیمی آلی، فیزیک، گیاه‌شناسی و ادویه‌شناسی و در سال سوم: شیمی دواسازی، ادویه‌شناسی، حفظ الصحه، زهرشناسی، حیوان‌شناسی و میکروب‌شناسی تدریس می‌شد. طبق نظام‌نامه فوق، محصلین دواسازی مکلف بودند که تمام مدت تحصیل در مدرسه دواسازی همه روزه باستثنای ساعت درسی، در یکی از دواخانه‌های معتبر و معروف شهر مشغول عملیات دواسازی باشند و قبل از حضور در جلسه امتحان در هر سال، باید ورقه‌ای را که دلالت بر عملیات مختلفه دواسازی به‌طور کافی در این مدت باشد، به دفتر مدرسه تحويل بدهد (راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی....).

■ نظام‌نامه سال ۱۳۰۹

در نظام‌نامه‌ای که در هشتم شهریور ۱۳۰۹ از تصویب شورای عالی معارف گذشت دوره سه ساله را پنج سال افزایش داد. در این نظام‌نامه هم شرط ورود به مدرسه دواسازی را دارا بودن تصدیق دوره

مهر ۱۳۰۸ معلم مدرسه عالی طب و دواسازی شد. دکتر اعلم در سال ۱۳۲۰ سندیکای داروسازان را تشکیل داد و به سمت ریاست سندیکای مزبور انتخاب شد و تا دهه ۳۰ در این سمت وظایف صنفی را انجام می‌داد (نخستین‌ها، ص ۲۷۳). در اینجا نویسنده محترم کتاب «نخستین‌ها» سال تأسیس سندیکای داروسازان را سال ۱۳۲۰ ذکر کرده است با توجه به این که طبق مدارک موجود، سندیکای مزبور در سال ۱۳۲۲ تشکیل شده احتمالاً منظور نویسنده دهه ۱۳۳۰ باشد). در سال ۱۳۲۸ بنا به تقاضای خودش به دانشگاه تهران منتقل شد و سمت استادی مفردات پزشکی به ایشان محول شد. دکتر آرماییس وارطانی - در سال ۱۲۷۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۲۸۵ برای گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه به سوییس رفت و بعد از اخذ دیپلم وارد دانشکده داروسازی «اتریش» شد و در سال ۱۳۰۵ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۰۸ در سمت معلم «شیمی آلی» در سال سوم مدرسه پزشکی و داروسازی به تدریس «شیمی بیولوژی» پرداخت و در سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۳۱۷ به عنوان استادی دست یافت (نخستین‌ها، جلد اول، صص ۲۸۱ و ۲۱۹).

■ مکان‌های مدرسه عالی طب و دواسازی

بعد از جدایی مدرسه عالی طب و دواسازی از دارالفنون در سال ۱۳۰۲ به ساختمان «مسعودیه» واقع در خیابان اکباتان فعلی منتقل شد و در سال ۱۳۱۱ به ساختمان اجاره‌ای «سعد الدوله» که در ورودی آن در ابتدای خیابان لاله زار فعلی باز می‌شد، انتقال پیدا کرد و یک سال بعد به بیمارستان

نامه ختم تحصیل دوره اول متوسطه و یا گذراندن امتحانی معادل دوره اول متوسطه» باشد.

■ دانشکده داروسازی دانشگاه تهران

با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ به تدریج مدرسه طب به دانشکده پزشکی تغییر نام داد و در پی آن مدرسه دواسازی نیز به دانشکده داروسازی تبدیل شد ولیکن کما فی الساقب ریاست دانشکده داروسازی با ریاست دانشکده پزشکی بود و در این سال‌ها آقایان: ۱. مرحوم دکتر محمدحسین لقمان‌الدوله ادhem ریاست مدرسه طب و دواسازی از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۷ و ریاست دانشکده‌های پزشکی و داروسازی و دندانپزشکی ۲. ۱۳۱۲-۱۳۱۸ مرحوم دکتر ولی‌الله نصر رئیس مدرسه طب و دواسازی از ۱۳۰۹ تا ۱۳۰۹. ۳. زنده یاد پروفوسر شارل ابرلین از دی ماه ۱۳۱۸ تا شهریور ۱۳۲۱ و از اردیبهشت ۱۳۲۳ تا مهر ۱۳۲۶. ۴. مرحوم دکتر امیر اعلم از آذر ۱۳۲۱ تا بهمن ۱۳۲۲. ۵. مرحوم دکتر جواد آشتیانی از اسفند ۱۳۲۲ تا اردیبهشت ۱۳۲۳ و از اسفند ۱۳۲۶ تا مهر ۱۳۲۷. ۶. مرحوم دکتر جهانشاه صالح از آبان ۱۳۲۷ تا اردیبهشت ۱۳۳۴. ۷. مرحوم دکتر منوچهر اقبال از خرداد ۱۳۳۴ تا آذر ۱۳۳۶ ریاست دانشکده پزشکی و داروسازی و دندانپزشکی را توامان بر عهده داشتند.

از سال ۱۳۳۵ که دانشکده داروسازی دانشگاه تهران هویتی مستقل پیدا کرد و ریاست آن از دانشکده پزشکی جدا شد. داروسازان زیر تا سال ۱۳۵۷ ریاست آن را بر عهده گرفتند: ۱. مرحوم دکتر مهدی نامدار از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱. ۲. مرحوم دکتر نادر شرقی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸. ۳. مرحوم

اول متوسطه قید کرد.

دوره پنج ساله به دو قسمت تقسیم شد: پس از موفقیت در امتحان سه ساله اول، تصدیق نامه دوره کامل متوسطه علمی دواسازی به محصل داده می‌شد و در صورتی که محصل خواهان آن بود که دوره عالی را هم بگذراند، باید بعد از دریافت تصدیق دوره کامل متوسطه علمی دواسازی، امتحان مواد مخصوصه دواسازی را بدهد و در صورت قبولی و کار در یکی از دواخانه‌های معتبر و قبولی در امتحان علمی، وارد دوره عالی دواسازی بشود. محصلین ملزم بودند همه روزه از صبح تا ظهر در یکی از دواخانه‌های معتبر که از طرف رئیس مدرسه تعیین شده مشغول عملیات دواسازی باشند (راهنمای دانشکده پزشکی - داروسازی و ... ص ۱۹۹).

■ نظام‌نامه سال ۱۳۱۱

در سوم اسفند سال ۱۳۱۱ شورای عالی معارف دو تغییر در نظام‌نامه سال ۱۳۰۹ به وجود آورد: ۱. داوطلبان ورود به مدرسه دواسازی باید دارای تصدیق نامه رسمی دوره کامل متوسطه شعبه علمی (دیبلم) باشند. ۲. دوره تحصیلات دواسازی چهارسال است.

■ نظام‌نامه سال ۱۳۱۲

ظاهرًا دیبلم به اندازه کافی نبود و داوطلبان ورود به مدرسه دواسازی را با مشکل رو به رو ساخت بر این اساس در صدد اصلاح برآمدند و در نظام‌نامه سال ۱۳۱۲ که در پنجم بهمن به تصویب شورای عالی معارف رسید، مقرر گردید: «تا موقع مقتضی طبق اساسنامه ۱۳۰۹ شرط ورود داشتن شهادت

عبدالحسین خان، داروخانه را به ایشان واگذار کرد. بعد از فوت عبدالحسین خان در سال ۱۳۱۹ شمسی، فرزند ایشان دکتر «امیرهوشنگ نظامی» که از استادان دانشکده پزشکی و داروسازی تهران و تحصیل کرده فرانسه بود امور داروخانه را بر عهده گرفت. با فوت دکتر امیرهوشنگ نظامی در سال ۱۳۶۷ داروخانه مجبور تعطیل شد و در سال ۱۳۷۱ وسایل آن به دانشکده داروسازی تهران منتقل شد. خانم دکتر «زرین دخت شرقی» (فرزنده مرحوم جان محمد خان شرقی یکی از مؤسسین اولین داروخانه‌های تهران و خواهر مرحوم دکتر نادر و دکتر گلخ و دکتر ماهرخ شرقی) همسر مرحوم دکتر امیر هوشنگ نظامی در سال ۱۳۸۱ قبول کرد با هزینه شخصی، داروخانه را در موزه «ملی تاریخ علوم پزشکی» جمهوری اسلامی ایران بازسازی کنند (برگرفته از موزه ملی تاریخ علوم پزشکی). در خاتمه، ضمن مروری بر تعدادی از عکس‌های مربوط به دانشکده داروسازی دانشگاه تهران، از آقای دکتر شهابی برای انتشار چنین کتابی، تشکر و قدردانی می‌شود.

دکتر علی زرگری از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰. دکتر عباس خدابنده از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲. دکتر ایرج لاله زاری از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ (برگرفته از کتاب دانشکده داروسازی تاریخچه و دستاوردها).

■ اولین داروخانه به سبک جدید

طبق مدارک موجود، اولین داروخانه به سبک جدید که در ایران توسط ایرانی‌ها تأسیس شد، داروخانه «نظامی» بود وجه تسمیه آن به نظامی به این خاطر بود که وزارت جنگ آن را تأسیس کرد و کلیه تجهیزات و لوازم دواخانه توسط مرحوم «هادی خان سرتیپ» از کشور اتریش خریداری گردید و به ایران منتقل شد. این داروخانه در سال ۱۲۳۷ شمسی در خیابان چراغ گاز شروع به کار کرد (دارالفنون گاهواره داروسازی نوین در ایران - ص ۲۱۸).

مرحوم هادی خان فرزند نداشت، خواهرزاده ایشان مرحوم «عبدالحسین خان نظامی» رشته داروسازی را در دارالفنون فراگرفت و وارد ارتش شد و بعد از فوت هادی خان مسؤولیت داروخانه را بر عهده گرفت تا این که ارتش، بابت طلب











منابع

۱. راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی و بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌های وابسته، چاپ بهمن ۱۳۳۲. چاپخانه دانشگاه تهران
۲. دکتر شمس شريعت تربقان، نخستین‌ها، جلد اول و دوم
۳. دکتر حسن فرسام، دارالفنون گاوهاره داروسازی نوین در ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، چاپ اول ۱۳۹۳.
۴. دکتر حسن فرسام، دانشکده داروسازی تاریخچه و دستاوردها
۵. موزه ملی تاریخ علوم پزشکی